

## « متن قرارداد توافق شده »

### مابین نمایندگان آذربایجان و دولت

در نتیجه مذاکرات بین دولت و نمایندگان آذربایجان و با توجه بمواد هفتگانه ابلاغیه مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۵ دولت که مورد قبول نمایندگان مذکور واقع گردیده و در نتیجه تبادل افکار، توافق نظر حاصل شد که مواد زیر که بعنوان توضیح و مکمل آن تنظیم گردیده ، بموقع اجرا گذارده شود :

۱ - نسبت به مفاد ماده اول ابلاغیه صادره دولت، موافقت حاصل شده که جمله زیر به آن اضافه گردد: رئیس دارائی نیز بنا بر پیشنهاد انجمن ایالتی و تصویب دولت تعیین خواهد شد .

۲ - چون در ماده ۲ ابلاغیه دولت مقرر گردید که تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی بادولت خواهد بود ، بمنظور اجرای اصل مذکور موافقت حاصل شد که وزارت کشور استاندار را از میان چند نفر که انجمن ایالتی معرفی خواهد نمود برای تصویب دولت پیشنهاد نماید .

۳ - نظر به تحولات اخیر در آذربایجان ، دولت سازمان فعلی را که بعنوان مجلس ملسی آذربایجان انتخاب و تشکیل شده است ، بمنزله انجمن ایالتی آذربایجان خواهد شناخت و پس از تشکیل مجلس پانزدهم و تصویب قانون جدید ایالتی و ولایتی که از طرف دولت پیشنهاد خواهد شد انتخابات انجمن ایالتی آذربایجان طبق قانون مصوبه فوراً شروع خواهد شد .

۴ - برای تعیین تکلیف قوای محلی و فرماندهان آن که در نتیجه تحول و نهفت آذربایجان نفرت آن از افراد نظام وظیفه احضار گردیده اند و با امضای این قرارداد جز ارتش ایران مصوب میشوند ، موافقت حاصل شد کمیونی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و انجمن ایالتی آذربایجان در محل تشکیل و راه حل آن را هر چه زودتر جهت تصویب، پیشنهاد نمایند .

۵ - نسبت به وضع مالی آذربایجان موافقت حاصل گردید که ۷۵٪ از عواید آذربایجان جهت

مخارج محلی اختصاص و ۲۵٪ جهت مخارج عمومی کلیه کشور بمرکز فرستاده شود .

تبصره ۱ - مخارج و عواید ادارات پست و تلگراف و گمرک و راه آهن و کشتیرانی دریاچه ارومیه مستثنی بوده و مخارج و عواید آن کاملاً برعهده و منحصر بدولت خواهد

بود. توضیح اینکه تلگرافا انجمنهای ایالتی و ولایتی و دوایر دولتی آذربایجان برایگان مغایره خواهد شد .

تبصره ۲ - ساختمان و تعمیر راههای شوسه اصلی برعهده دولت و احداث و تعمیر راههای فرعی و محلی برعهده انجمن ایالتی آذربایجان است .

تبصره ۳ - دولت برای قدردانی از خدمات برجسته آذربایجان که به مشروطیت ایران و به منظور حق شناسی از فداکاریهائی که مردم آذربایجان در راه استقرار دموکراسی و آزادی نموده - اند قبول نمود که ۲۵٪ از عواید گمرکی آذربایجان جهت تأمین معارف دانشگاه آذربایجان اختصاصاً داده شود .

۶ - دولت قبول میکند که امتداد راه آهن میانه تا تبریز را هرچه زودتر شروع و در اسرع وقت انجام دهد . بدیهی است که جهت انجام این امر کارگران و متخصصین آذربایجانی حق تقدم خواهند داشت .

۷ - قوای داوطلبی که غیر از نظام وظیفه بنام فدائی در آذربایجان تشکیل شده به و اندار - مری تبدیل میگردد و برای تعیین تکلیف قوای انتظامی مذکور و همچنین تعیین فرماندهان، موافقت حاصل شد که کمیسیونی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و انجمن ایالتی آذربایجان در محل تشکیل و هرچه زودتر راه حل آن را جهت تصویب پیشنهاد نمایند .

تبصره ۱ - نظریات و در سنوات اخیر در اثر بعضی اعمال ، نام امنیه و و اندار مری در پیشگاه افکار عمومی ایران ، خصوصا آذربایجان ایجاد احساسات مخالف و نامناسبی نموده است و نظریات و رئیس دولت شعفا فرماندهی این سازمان را اخیرا عهده دار گردیده و انتظار آغاز اصلاحات و تصفیه این ادارات از عناصر ناصالح میروند ، موافقت شده که احساسات عمومی و خصوصا اهالی آذربایجان نسبت به و اندار مری با استحضار رئیس دولت برسد تا برای تغییر نام آن و انتخاب نام مناسب جهت سازمان مزبور ، تصمیمات مقتضی را اتخاذ فرمایند .

۸ - نسبت به اراضی که در نتیجه نهضت دموکراتیک آذربایجان ، میان دهقانان آذربایجان تقسیم گردید آنچه مربوط به خالصات دولتی است چون دولت یا تقسیم خالصات میان دهقانان و زارعین در تمام کشور ، اصولا موافق است اجرای آنرا بلا مانع دانسته و لایحه مربوط بآن را در اولین فرصت برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود و آنچه از اراضی غیر در نتیجه تحولات اخیر آذربایجان بین رعایا تقسیم شده ، موافقت حاصل شد که جهت جبران خسارات مالکین و یا تعویض املاک ، کمیسیونی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و نمایندگان انجمن ایالتی تشکیل و راه حل را جهت تصویب پیشنهاد نماید .

۹- دولت موافقت میکند، با افتتاح مجلس پانزدهم لایحه قانون انتخابات را که روی اصل آزادی و دموکراسی یعنی با تعیین رای عمومی، مخفی، مستقیم، متناسب و متساوی، شامل زنان نیز باشد تنظیم، و قبول آن را به قید فوریت خواستار شود. دولت همچنین قبول مینماید، بمنظور ازدیاد نمایندگان آذربایجان و سایر نقاط کُور به تناسب اهالی نقاط مختلف، بمجرد افتتاح مجلس پانزدهم لایحه قانونی را پیشنهاد و به قید دوفوریت تقاضای آنرا بنماید تا پس از تصویب بوسیله انتخابات، کسری نمایندگان نقاط مذکور تعیین و به مجلس اعلام گردند.

۱۰- ایالت آذربایجان عبارت از استانهای ۳ و ۴ خواهد بود.

۱۱- دولت موافقت دارد که جهت تأمین حسن جریان امور آذربایجان، شورای اداری از استاندار و رؤسای ادارات و هیئت رئیسه انجمن ایالتی تشکیل و تحت نظارت انجمن ایالتی انجام وظیفه نمایند.

۱۲- بماده ۳ ابلاغیه مورخ دوم اردیبهشت ۱۳۲۵، که از لحاظ تعیین تکلیف مدارس متوسطه و عالییه دارای ابهام میباشد، جمله زیر اضافه میگردد: در مدارس متوسطه و عالییه تدریس بزبان فارسی و آذربایجانی طبق برنامه وزارت فرهنگ، که بادر نظر گرفتن زمان و مکان اصلاح و موافق موازین دموکراتیک و اصول مترقی جدید تنظیم گردیده، تدریس خواهد شد.

۱۳- دولت موافقت دارد که اگراد معین آذربایجان از مزایای این موافقت نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۳ ابلاغیه دولت تا کلاس پنجم ابتدائی بزبان خودشان تدریس نماید.

تبصره - اقلیتهای معین آذربایجان از قبیل آسوری و ارمنی نیز حق خواهند داشت تا کلاس پنجم بزبان خود تدریس نمایند.

۱۴- چون دولت در نظر دارد قانون انتخابات جدید شهرداریها را جهت تمام ایران مطابق اصول دموکراسی، یعنی رای عمومی، مخفی، مستقیم و متساوی به مجلس پانزدهم پیشنهاد نماید، بمجرد تصویب قانون مزبور انتخابات انجمن شهرداریها در آذربایجان و سایر نقاط ایران شروع خواهد شد و تا تصویب قانون مزبور و انتخابات جدید انجمن های شهرداری فعلی آذربایجان به وظایف خود ادامه خواهند داد.

۱۵- این موافقت نامه در دو نسخه تنظیم و مبادله گردیده و پس از تصویب هیئت دولت و انجمن ایالتی آذربایجان بموقع اجرا گذارده میشود.

تبریز بتاريخ ۳۳ - ۳ - ۱۳۲۵

**مظفر پیروز - پیشه‌وری**



درباره موافقت نامه و برای نشان دادن نظریه فرقه، نطق آقای پیشه‌وری را در اینجا نقل می‌کنیم:

## نطق تاریخی صدر فرقه دموکرات آذربایجان

ورهرم بسبب خلق آذربایجان آقای پیشه‌وری که دبیب  
از رادیو ایراد نمود :

هووطنان عزیز ، آزادبخواهان محترم !

نتیجه مذاکراتی را که در تهران انجام دادم بعد از مراجعت از تهران بنظر شما رسانده بودم .  
از آنروز تاکنون ۳۵ روز میگذرد ، در این مدت اگرچه بظاهر تحولات قابل توجهی در محیط تهران  
پوجود آمده ، و توسط اعلامیه‌هایی که بنام آقای قوام السلطنه انتشار یافته ، مبارزه شدیدی  
بر علیه عناصر ارتجاعی اعلام گردیده . در نتیجه عناصر ارتجاعی که در کابینه جای گرفته‌اند و  
باضطلال آن میکوشند ، مرعوب گشته و بدین ترتیب برای نزدیک شدن رئیس دولت بعا ، امکانات  
فراهم گردیده است .

بدین ترتیب رئیس دولت ، حتی بصورت موقتی هم باشد ، میدان فعالیت عناصر فاسد و مضر  
را محدود کرده و اصلاحات بزرگ آغاز شده از طرف خلق آذربایجان و عمده‌ترین آن ، یعنی  
تقسیم اراضی و حل آن بشرف دهقانان و زحمتکشان را ستوده و با این عمل در محیط ما تاثیر عمیقی  
بجا گذاشته و جهت مذاکرات جدید امکاناتی پوجود آورد که در محیطی صمصمانه‌تر و در مدت زمان  
کوتاه‌تر شروع و خاتمه یابد . جملاتی از صحبت‌هایم در مذاکرات فوق را مخصوصا در اینجا  
تکرار میکنم : همه دعواها بر سر لحاف ملا نصرالدین ، یعنی بر سر صاحب زمین شدن دهقانان  
میباشد . تقسیم زمین‌های خالصه در بین دهقانان و کشاورزان در قانون اساسی منع نگردیده  
بود . دهقانان آذربایجان با اراده خود این زمین‌ها را تقسیم کرده‌اند . دولت نیز بایست  
این کار را جهت هماهنگ ساختن تمام ایران با آذ. بایجان ، در تمام استانها و شهرها عملی  
سازد .

این جملات بوضوح نشان میدهند ، آنوقتها ، مسئله ایکه فکر ما را بخود مشغول کرده بود  
و برایمان مسئله مهمی بود ، همین مسئله دهقان و تقسیم اراضی بود . حالا باید اعتراف کرد  
که آقای قوام السلطنه موفق شده است درباره این مسئله مهم و اساسی قدمی جدی بردارد و بدین

وسيله فاصله مان را نزديكتر نموده و يك زمينه صحت فاهم جدی بوجود آمده است . حتی اگر از طرف دولت چشم پوشی های دیگری نیز نمیشد ، ما خاطره این قدم بزرگ را در قلب خود نگه داشته و میبایستی سوگظنی را که موجب ناراحتی فکر میشد از محیط مان دور سازیم .

خوشبختانه رئیس محرب دولت که با شجاعت موفقی به برداشتن قدم اول گردیده بود ، با قدم بزرگ دوم به تحکیم آن توفیق یافت ، و آن عبارت از احترامی است که به زبان خود داریم ، و قبول صمیمانه تقاضائی که جهت رشد و توسعه آن پیش کشیده بودیم .

اگر آقای قوام السلطنه در طول عمر خود هیچ کار دیگری نیز انجام نداده باشد ، تنها همین مسئله در قلوب خلق آذربایجان حس احترام عمیقی نسبت به وی بوجود خواهد آورد . تا زمانیکه مدارس ملی ما پایرجاست نام او نیز مانند نام فرقه و رهبران قهرمان خلقمان بر سر زبان نعل های آینده مان خواهد بود .

درست است که این حق را خلقمان ، فدائیانمان ، فرقه قهرمانان با اراده محکم و ایمان تزلزل ناپذیر و سلاح بدون خطایی بدست آورده بود . باین همه کمک و مساعدت آقای قوام السلطنه در این باره فوق العاده با ارزش می باشد .

اگر هیاهوی بهوا خاسته از طرف متعصبین فارس ، که فضای تهران را مسموم کرده است ، در نظر بگیریم آنوقت بی میبریم که آقای قوام السلطنه تاجه اندازه رئیس دولت مدبر و دقیقسی می باشد .

همگی بخوبی میدانید که مسئله زبان ، برای آذربایجانیان يك مسئله حیاتی است . لیکن اشخاص جاهل و نادانی که ایرانی بودن را با فارس بودن مخلوط میکنند ، نمیخواهند این را درک کنند و باختصر زهر آلود زبان نشان قلب آذربایجانیان را مجروح کرده و بکوشش خود در این راه ادامه میدهند . ماهنوز فراموش نکرده ایم که ۹ ماه قبل ، زمانی که در اعلامیه مان شعار آزادی زبان را پیش کشیدیم ، این متعصبین احق تاجه اندازه هیاهو براه انداخته و به چه نامهایی بمان تهمت زده سعی در از میدان بدر کردن ما داشتند .

امروز با سر بلندی و افتخار میتوانیم بگوئیم که در سایه اراده ناگستنی و ایمان محکم خلقمان ، این طلسم را شکسته و نه تنها در مدارس ابتدائی بلکه در مراکز علمی متوسطه و عالی نیز راه تدریس زبانمان رسماً باز شده است . همچنین موفقی شده ایم ، بکار بردن زبان مادریمان را همراه با زبان فارسی در ادارات دولتی ، رسمیت دهیم . البته افتخار این کار در اطل مربوط به فرقه و خلقمان می باشد . لیکن نمیتوان فراموش کرد که حسن نیت و موقع شناسی آقای قوام السلطنه و قدرت وی در دیدن واقعیت و دور ماندن از تعصب ، در حل مسئله فوق العاده موثر

واقع شد .

سومین موفقیت بزرگ ما ، انتخاب ماورین دولتی در آذربایجان از طرف خودمان ، میباشد خلقمان در این راه مدت زمان زیادی مبارزه کرده است .

ویرانه ماندن شهرهایمان و سرومیت خلق و قوم ما از ابتدای ترین وسائل زندگی و فرهنگ و بهداشت ، بطور قطع بدین علت بود که ما مورین اعزامی از تهران دلسوزی در کار نداشته و تنها بفکر پر کردن جیب خود بودند . بعد از این ، چنین رسومی بطور قطعی از بین خواهد رفت ، خلقمان توسط انجمن های انتخاب شده از طرف خود ، امکان خواهد یافت که سرنوشت خویش را تعیین کرده و در فعالیت کارمندان اداری نظارت کنند و با نیروی خود امور فرهنگی ، بهداشتی ، اقتصادی و دارایی را بر اساس صحیحی استوار سازد . این موفقیت دارای معنای بسیار عمیق و عظیم میباشد .

در حقیقت این حقوق بدست آمده را نمیتوان کامل تلقی کرد و ارزش مبارزه شدیدی که پیش میبریم بسیار بالاتر از اینست . با همه این ، اگر زمان و مکان و محیط را در نظر بگیریم خواهیم دید که کار بسیار بزرگی انجام داده ایم و حکومت آقای قوام السلطنه با فاش شدن این حداقل حق ، از جنگی که بین هموطنان احتمال میرفت جلوگیری کرده و بدین وسیله برای آذربایجان و تمام ایران خدمت با ارزشی انجام داده است .

من نمیخواهم وارد جزئیات بنوم ، لابد شما ابلاغیه هفت ماده ای منتشره از طرف دولت و با تکمیل آن موافقت نامه ای را که امضاء کردیم ، همگی خوانده اید . البته مبارزه ۹ ماهه ای که به پیش بردیم ، سنگین ، سخت و طاقت فرسا بود . قربانیانی که در این راه دادیم ، کم نبودند ؛ خواهش میکنم برای احترام گذاشتن به فدائیان قهرمانی که در این راه شهید شده اند بیباخته و يك دقیقه سکوت کنید .

اذعان میکنیم که مبارزه ۹ ماهه مان فوق العاده سنگین و دشوار بود . خاطره قربانیانی که دادیم ما را شدید متاثر میکند . لیکن موفقیت های بدست آمده ارزش بیشتری دارند ، چنان ارزشی دارند که با تفکر به معنی عمیق آن ، زحماتی را که در این راه تحمل کرده ایم از یاد میبریم و تائیری که شهدای آزادی در روحمان بجای گذاشته اند کاهش یافته و بحالست خاطره های تاریخی در میآید .

دیگر اینکه ، آزادی بودجه بنظر من شایان توجه است . ما بخوبی میدانیم که اگر پول موجود نباشد ، هیچ کاری را نمیتوان از پیش برد . تاکنون درآمد آذربایجان متمرکز برده شده و در آنجا اگر مقداری نیز از دست دردها و مختلسین نجات مییافت به کارهای غیر ضروری مصرف



میشد . بعد از این ۲۷۵ در آمد مان با مورد داخلی مصرف خواهد شد . البته در آمد مایلی زیاد نیست ولی با رشد و توسعه صنایع و کشاورزی در اسرع وقت موفق با افزایش آن خواهیم شد . بدین خاطر امیدواریم که اصلاحات بزرگ آغاز شده را انجام داده و خلعتان را از بدبختی و فلاکت رها نموده و به صلح خلقی سعادت مند و معاصر در آوریم .

تکرار میکنم زحمانی که متحمل شده ایم هر اندازه سنگین و طاقت فرسا باشد ، نتیجه حاصله از آن براتب عظیم تر است . عظمت آن بویژه از آن جهت است که ما این نتیجه را بدون جنگ و خونریزی بدست آورده ایم .

اکنون بین مخالفین و مرتجعین صحبتها و شایعات گوناگونی وجود دارد . عده ای میگویند آقای قوام السلطنه دموکراتها را فریب داده و عده ای دیگر سعی میکنند اثبات نمایند که آقای قوام السلطنه برای حفظ حکومت خویش بدامن دموکراتها افتاده و به آذربایجان پناه برده است . ما بدین سخنان کوچکترین اهمیتی نباید قائل شویم . نه آقای قوام السلطنه سرما کلاه گذاشته و نه ما بفکر فریب دادن او هستیم . اینها همه حرفهای پوچی است . حتی عده ای امضای موافقت نامه از جانب ما را بعنوان تسلیم شدن تعبیر کرده اند . شاید بعضی هاجت خود نمایی ادعای فتح آذربایجان را نیز بکنند . ما بنوبه خود با این سخنان خندیده و گویندگان آن راه باد سفره میگیریم . در اینجا کسی به کسی دیگر تسلیم نشده است و هیچ کسی نیز آذربایجان را تسخیر نکرده است . ما با تفاق آقای قوام السلطنه تشهیر داده ایم که نهفت بزرگ دموکراتیک که از میان خلق برخاسته زمانی نتیجه مطلوب خواهد داد که در تمام ایران گسترش یافد و شکل قانونی بخود گیرد . موافقت نامه امضاء شده از طرف ما تعبیر و تفسیر دیگری نمیتواند داشته باشد .

در سیاست خارجی ما زهر ما با دولت مرکزی دشمنان آزادی را خلع سلاح کرده و حال دیگر عاملین کوچک و بزرگ استعمار نمیتوانند بهانه ای به نهفت آذربایجان گرفته و سوء نظری نسبت به استقلال ما داشته باشند .

در خاتمه میبویم چند کلمه ای نیز درباره مسئله خشم و زنجان صحبت کنم همگی میدانید که اهالی این ولایت از نظر زبان و آداب و رسوم کاملاً آذربایجانی میباشدند ، حتی تا همین اواخر فرماندار آنجا از طرف تبریز انتخاب میگردد . علاوه بر این همزمان با شروع نهفت ملی مان زنجان بدون دخالت ما تمام کرده و با بیرون راندن زاندارهای جلا و ذوالفقاری و داروسته اش که سالیان دراز عین اهالی را مکیده بودند ، موجب پیشرفت نهفتان گردیده و پیش از سایر نقاط آذربایجان با فداکاری سعی در جلوگیری از رخنه نیروهای ارتجاعی بعرض زمینها

کرده اند . برای ما روشن نیست که به چه علتی نمایندگان دولت درجدا کردن خسته از آنزیرا بیان اصرار میورزند و هنوز نمیدانیم تحت تاثیر چه عواملی آقای قوام السلطنه تصمیم گرفته است که اهالی زنجان را از این حق مشروع محروم سازد .

در حال ما ضمن مذاکرات، در این باره مواجه با مباحثه و مناقشه طولانی گشتیم ، سپس بخاطر مصلحت عمومی این امکان را دادیم که بصورت موقتی از تبریز برای خسته فرماندار تعیین نکنیم ، آقای مظفر فیروز با استناد به نامه های رسمی باسم من این نکته را در موافقت نامه آورد . آقای مظفر فیروز معاون سیاسی آقای قوام السلطنه رسماً و کتباً تعهد کرد ند که : شرکت کنندگان در نهضت دموکراتیک در زنجان از هرگونه تعرض مضمون بوده و جهت تأمین امنیت آنجا از فداشایان محلی استفاده گردد و همچنین از ورود دشمنان خلق نظیر ذوالفقاری ، بعینیسی و اسلحه دار باشی به خسته جلوگیری شده و از هرگونه تحریکات آنان مانعت بعمل خواهد آمد . البته از نقطه نظر ما این کافی نبود . من به اهالی زنجان که در تلگرافخانه اجتماع کرده بودند ، توصیه کردم که امنیت را حفظ کرده و به حسن نیت اداره کنندگان فرقه و نهضت اعتماد کنند . چون ما در راه بقاء و دوام امنیت و آزادی در تمام ایران مبارزه میکنیم در مقابل حوادثی که در زنجان و خسته پیش آید نمیتوانیم بیطرف بمانیم . بدین جهت مذاکرات بهر نحوی که خاتمه یابد ، تشکیلات فرقه در زنجان خسته روز بروز بر فعالیت خود افزوده و به مبارزه ای قاطع علیه عناصر ارتجاعی خواهد پرداخت .

دست‌هایی که برای ناراحت کردن دموکراتها در خسته دراز میشود ، از جانب هر کسی که میخواهد باشد، برای همیشه قطع خواهد شد .

ما هنوز ما یوس نیستیم ، امیدواریم که آقای قوام السلطنه بعد از اندکی بررسی در این باره ، موفق به تغییر عقیده بشود . اگر چنین نشود ، از آنجا شیکه زبان واحساسات و آداب و رسوم و بالاخره سرنوشتان یکی است ، هیچ تدبیر موقتی هم باعث جدایی ما نخواهد شد . هموطنان محترم ! منظور من از گفتن این سخنان ، خودستایی و حماسه پردازی نیست . اکنون ما وقتی برای حرافی و عبارت پردازی نداریم . تصور میکنم با شرح واقعه بهمانگونه که اتفاق افتاده ، امکان روشن کردن وظایف آتی مان را فراهم آوردیم .

وظیفه آتی ما ، حفظ دست آوردها و استفاده از آن جهت سعادت خلقمان میباشد . بسرای رسیدن باین هدف ، مهمترین وظیفه ای که در پیش داریم ، با انجام رسانیدن انتخابات مجلس شورای ملی به نفع آزادیخواهان میباشد . اگر در این امر موفقیت حاصل نگردد بنظم حفظ



دست‌آوردها یمان دشوار خواهد بود . آن موقع ناچار خواهیم شد دوباره اسلحه بدست گرفته‌و از طریق جنگ و زدو خورد به هدفمان نائل گردیم . یعنی مدت‌زیادی از ختم مسئله نمی‌گذرد و تنها شکل مبارزه تغییر کرده است .

در این مبارزه طرفی که تدابیر و فعالیت‌بیشتری داشته باشد و دارای تشکیلات منظم‌تری باشد غلبه خواهد کرد . تصور میکنم از آنجائیکه فرقه و خلق‌مان در این کار آزمایش خود را داده است جای تردیدی برای موفقیت‌مان نیست . باین همه ، باز هم فعالیت ، باز هم هوشیاری ، باز هم فداکاری لازم است . متأسفانه مطالب‌زیاد و وقت کم است . بهمین مختصر اکتفا کرده و بسرای کلیه آزادیخواهان ایران اتحاد ، پیروزی آرزو میکنم . و به پرچمدار آن ، یعنی خلق آذربایجان تمنی سعادت‌ابدی دارم .

نابودباد نوکران خاشن و مرتجع استعمار که قصد محدود کردن آزادی را دارند .  
زنده باد آذربایجان !



خلاصه نطق آقای پیشه‌وری پدرفداشپان ، نخست‌وزیر حکومت ملی آذربایجان در :

# آخرین اجلاسیه مجلس ملی آذربایجان

آقایان محترم ! فکرمیکتم با صحبت‌های امروز ، در تاریخ مبارزه خلقمان صفحه ای به اتمام رسیده و صفحه‌ای دیگر گشوده میشود . در آنزمان که شما بمن اعتماد کرده و جهت اداره نهضت ملی مان ، انتخاب هیئت‌وزرا و معرفی آن بمجلس را بمن محول کردید ، در آنزمان در آذربایجان چیزی بنام دولت وجود نداشت . تشکیل دولت و اداره وزارتخانه برای همگی ما ، امری بیسابقه بود . من در بین کسانی که در نهضت دموکراتیک آذربایجان شرکت کرده بودند و در میان کسانی که در راه سعادت خلقمان کوشش میکردند کسی را نیافتم که سابقه وزارت داشته باشد . بنابراین با در نظر گرفتن رهنمودهای فرقه ، افراد جوان را انتخاب کرده و آنها را بعنوان وزیر به مجلس پیشنهاد کردم .

تشکیلات منظم و گسترده فرقه مان و تجربیات کسب شده در صحنه مبارزه بما امکان داد در-  
یابیم که وزیر شدن امری مهمتر از کار کردن در ادارات نیست . بنابراین ملاحظه کاری و محافظه-  
کاری را بکنار گذاشته و جورانه قدم برداشته ، من به آزادخواهی و دموکرات بودن اشخاصی که  
به هیئت دولت دعوت کرده بودم اطمینان داشتم ، بنا بر این آنها را فراخوانده و از واگذاری سر-  
نوش مملکت بدست آنها هراسی بخود راه ندادم ، و این چنین کاری بعلت بیسابقه بودنش در شهر  
و جاهای دیگر نمیتوانست بعید بنظر آید . ولی ما بدون اعتنا باین مسائل حکومت را تشکیل دادیم  
نباید فراموش کنیم که این حکومت ، حکومتی معمولی نبود . در واقع آن شبیه يك کمیته انقلابی  
بود . همانگونه که در زمان انقلاب ، امکان بر سر کار آمدن يك دولت معمولی وجود ندارد و از اینرو  
انقلابیون جهت اداره امور و بمنظور فراهم آوردن زمینه برای يك دولت قانونی ، معمولاً يك  
کمیته انقلابی موقت انتخاب میکنند . ولی ما چنین کاری انجام ندادیم ، بدین جهت ، حکومت  
ملی ما يك کمیته انقلابی نبود . بعلت اینکه از طرف مجلس ملی انتخاب گردیده بود ، در عین  
انقلابی بودن حکومتی قانونی می‌بود .

تاریخ معجزات گوناگونی دارد . زمانی پید می‌آید که تاریخ نهادی پدیدنی آورد که در دنیا  
سابقه نداشته است . بطور مثال در روسیه در نتیجه انقلاب کبیرا کتبر چنان حکومتی بوجود آمد که در

دنیا نظیر سابقه نداشت. حکومتی بود که اتحاد کارگر و دهقان را تأمین کرد و این رژیم اخیسرا خود را با اصول دموکراتیک مطالبت داد. انقلاب فرانسه نیز شکل حکومتی خاص خود را بوجود آورد. میتوان گفت نظیر این حکومت ملی مادر تاریخ بسیار نادر است. کارهای انجام یافته از طرف حکومت ما و تدابیری که جامعه عمل پوشیده اند از طریق قانونی بوده است. لیکن در تشکیلات انقلابی و در زمان تحول چنین سازمانی بندرت یافت میشود.

این امر در نتیجه رهبری صحیح فرقه مان بوده و از آنجا شیکه مجلس نیز تحت رهبری فرقه مان تشکیل شده بود، انجام اینکار نسبتاً بسهولت امکان پذیر شد. علاوه بر این میان فرقه و دولت و مجلس اتفاق نظر استوار و صمیمیت وجود داشت، مثلاً هیئت دولت در ساعت چهار بعد از نیمه شب جلسه تشکیل میداد و مجلس نیز یک ساعت بعد از آن، لایحه های پیشنهاد شده این جلسه را تصویب میکرد و همانروز آن قانون با جرارد میآمد، خلق نیز در این امر احساسات پرشوری نشان داد، یکی از علل اساسی پیشرفت سریع اقدامات ماهمین بود. این رامن هرگز فراموش نمیکتم که در روز ۲۱ آفر، در پیش از بیست مورد مهم، تصمیم گرفته و بصورت برقی آسایشی با انجام آنها موفق شده بودم آقای بیریا وقتی میزان جاهاشی را که با توافق هم سرزده بودیم بعداً یادآوری میکرد، مرا بحیرت و امیداشت، چند ساعتی قبل از افتتاح مجلس ملی مان، نظامنامه آنرا تنظیم کرده و سپس با افتتاح مجلس در مورد تمام مواد نظامنامه توضیح داده و بعد از به تصویب رساندن آن، همانروز هیئت رئیسه سنی مجلس را طبق نظامنامه انتخاب کردیم و بالآخره دولت ملی را تشکیل داده و برنا آنرا تنظیم و به مجلس تقدیم کردیم و بدین ترتیب با انجام کارها پرداختیم. در آن زمان هنوز در تبریز نیروهای آلت دست ارتجاعیون وجود داشتند. مثلاً در تبریز، ارومیه، اردبیل، شاهین-دز و سایر نقاط پایگاههای ارتشی آماده دست و پنجه نرم کردن با ما میشوند. در آنروز که ما به مسئله تشکیل مجلس و دولت مشغول بودیم هر لحظه و اومه جنگ و دعوا عدت میگرفت و مجلس ما با صدای غرش تفنگها و مسلسلها که از بیرون میآمد به فعالیت خود ادامه میداد. اگر فراموش نکرده باشید، زمانیکه مذاکرات ما با سر تپ درخشانی به بن بست رسید، برای شروع جنگ از شمارای اعتماد خواستم و همگی شما، ببا خواسته و جهت دفاع از آزادیمان اسلحه طلب کردید، اینها همه چیزهایی است که در داستانها و افسانه های قهرمانانه آمده است و باور کردنی بنظر نمی رسد من حالا نمیخواهم در این موارد صحبت کنم، لیکن از آنجا شیکه آخرین دوره مجلس است می خواهم کارهای را که انجام داده ایم در تاریخ ثبت شود، بگذار در تاریخ نوشته شود که برای جلوگیری از خونریزی، متحمل چه دشواریها شدیم. در عین حالیکه بکارهای دیگری اشتغال داشتم، مجبور شد ۶ ساعت تمام با سر تپ درخشانی بمذاکره بپردازم و بالآخره موفق شدم، آرزو و خواست



خلق را برآورده سازم . من نمیخواهم خودستایی کنم ، این به شخص خود من مربوط نیست ، مسن همچون يك فدائی وظایف محول شده را انجام دادم ، این امر شاید نمونه‌ای از فعالیت فرقه و قدرت‌خلق ما میتواند شمار آید ، اینها قدرت‌خلق فرقه و جدیت و فعالیت‌آنها با ثبات میرساند . کارهاشیکه در آذربایجان آغاز شده برای دموکراسی و آزادی ایران پایه‌های اساسی را بنا ساخته‌است . صدها دلیل وجود دارد مبنی بر اینکه نهضت در ایران گسترش خواهد یافت .

و این تنها نتیجه و محصول يك چنین مبارزه قهرمانانه‌ای است . آن روز تمام فرقه بی‌باخت و از این رو ما برای جامه عمل پوشاندن به خواستهای او و با حفظ قدرت‌حیرت‌آوری که داشتیم توانستیم معجزه بیا فرینیم . همان‌طور که میدانید ، مطابق برنامه تنظیم شده در ۲۱ آذر ، شروع بکار کردیم . در عرض یکروز ، حکومت قدیمی را سرنگون کرده و تشکیلات جدیدی بنا نهادیم و اکنون از آن برنامه نیز پیشتر رفته‌ایم ، علاوه بر برنامه‌ایکه اجرا کرده‌ایم ، در مدت کوتاهی تصمیم به ساختمان پنج بنای عظیم گرفتیم که هر کدام يك میلیون تومان تمام خواهد شد ، و با شروع این کار برای تمام بیکارانمان کار پیدا خواهد شد .

اگر یادتان باشد ، زمانی برای آذربایجان سیصد هزار تومان عطیه ملوکانه داده شده بود که هیچکس ندانست در کجا خرج شد . اما حالا ، ما برای ایجاد بناهای فوق‌الذکر پنج میلیون تومان اختصاص داده‌ایم .

این پول‌ها را ما در سایه فعالیت فرقه و به نیروی اراده خلق از زیر خاکها بیرون کشیده‌ایم ما ثروتی را بمیدان آورده‌ایم که برای هیچکس قابل تصور نبود ، این تنها به نیروی فرقه و حکومتان ممکن بود که خود نیز مولود اراده خلق است ، این ثابت میکند که خلق امور خود را باید به اشخاص منتخب خود بسپارد .

دولت تهران ، پولی برای ما باقی نگذاشته بود زمانی که ما حکومت را بدست گرفتیم ، در بانک فقط دو میلیون تومان پول بود ، که ما مجبور بودیم برای تأمین حقوق ادارات دولتی در همان آذرماه دوبرابر آن پول تهیه کنیم . در آن زمان مرتجعین بوسیله مطبوعات و اسلحه با ما معامله می‌کردند . ما مجبور بودیم آزادی بدست آمده و حکومت تشکیل شده را حفظ کنیم . ما برای دفاع از حکومت سه ماه تنها از نیروی فدائیان استفاده کردیم ولی در مقابل ارتش منظم تنها نیروی فدائیان نمیتوانست مقاومت کند . ناچار بودیم که قشون ملی تشکیل دهیم و برای اینکار نیز پول لازم بود . در ابتدا با مشکلاتی مواجه شدیم ولی در اسرع وقت مسلط گشته و مشکل تهیه پول را از میان برداشتیم . با تمام این ، مبارزه برای من بسیار دشوار بود ، حکومت در مقابل دو متاعیل قرار داشت . یکی از اینها راست‌ها و دیگری چپها بودند . اگر به طبقه اول یعنی متمکن و ثروتمند

تمایل نشان میدادیم ، کارگرها و دهقانان از ما رنجیده میشدند، بعکس اگر به طرفداری از کارگر و دهقان برمیخواستیم ، ثروتمندان بیمارزده با ما درآمده و تعدادی از بی چیزان نرسر آلت دست آنها میشدند ، بنا بر این خط مشی میانه ای انتخاب کردیم ، سعی کردیم که منافع هر دو طرف را حفظ کنیم . احزاب چپ و راست هر دو به سیاست ما معتقد شده و آنرا پذیرفتند . و بالاخره به هر دو آنها ثابت شد که خط مشی میانه ای که حکومت ملی در پیش گرفته بود درست بوده است . بویژه روستائی در عمل دید غیر از فرقه دموکرات کس دیگری با او دلسوز و نزدیک نیست .

حکومت ملی ، تنها نهادی است که سعی در بجا آوردن خواستهای روستائیان و زحمتکشان دارد . ما نه حق کشاورزان را به مالکین فروختیم و نه حق مالکین را به کشاورزان ، ما فقط اراک خالعه را که به خلق تعلق داشت بین صاحبان واقعی آن ، یعنی کشاورزان ، تقسیم کردیم . ما اساس مالکیت را محکم نگذاشتیم و مالکها را متقاعد ساختیم که در خیال پایمال کردن حقوق آنان نیستیم . ما حتی دقیقه ای آسوده نبوده ، همیشه کار کرده و برای پیشرفت کارها تشکیلات بوجود آوردیم .

در هر زمینه ، قدمهای بزرگی برداشته و بخصوص موجب تغییرات عظیمی در اخلاق خلوق گشتیم و بدین ترتیب خلقمان متقدم و عالیجناب گشته است .

مثلا در میتینگها و اجتماعات ، نظمی با متانت و آگاه احساس میشود . حتی خردسالان که بادعوا در میان گرد و خاکها وقت گذرانی میکردند اکنون اصلاح شده و با تشکیل دستجاتی منظم بکارهای مفید مشغول اند .

در بالا اشاره کردم که حکومت ملی کمیته ای انقلابی و موقتی بود ، اما از نقطه نظرهای دیگر این حکومت را بشمام معنی قانونی ، رسمی و دموکراتیک باید بشناسیم . زیرا مادر درجه اول به قوانین موهوبه در مجلس ملی رفتار کرده و اهمیت دادیم و حتی نخواستیم يك قدم از قانون پسا فراگذاریم . و راضی نشدیم که حتی حق يك نفر پایمال شود . از این نقطه نظر حکومت ملسی کمیته انقلابی نبوده بلکه صرفا حکومتی قانونی بود .

نظیر چنین حکومتی در تاریخ بی سابقه است و میتوان گفت این معجزه ایست که صرفا در زمان انقلاب بطور ناگهانی پدید آمده و خلق را به حیرت وامیدارد .

برای کسانی که در خارج از آذربایجان هستند ، کارهای ما بسیار تعجب آور بنظر میرسد . از آنجا که ما خود در این کارها شرکت داریم ، بنظرمان زیاد بزرگ جلوه نمیکند . لیکن بنظر آنها بیکه از بیرون نگاه میکنند ، حیرت آور است . ما در مدت کوتاهی ، با دست خالی ، کارهای

عظیمی را صورت داده ایم ، مثلاً بانک ملی ، دارالفنون ، تشکیلات رادیو ، لوله کشی آبشهر ، قنون ملی و کارهای نظیر این که منافع عمومی را تأمین میکنند و صرفاً توسط شهامت خارق العاده و در نتیجه فداکاری ، ممکن بوده است .

از آنجا که در زمینه فرهنگ ، کشاورزی و بهداشت وزرا با اندازه کافی توضیح داده اند ، نمی خواهم صحبت کنم . تمام کارهای ما مبتکرانه بوده و هیچ شباهتی به کارهای تهران ندارد . مجلس ما ، شباهتی به مجلس تهران ندارد . من و دوستان من در گذشته وزیر نبوده ایم و آقای شبستری نیز که اکنون ریاست مجلس را بعهده دارد صرفاً به ابتکار شخصی خود متکی است .

اینها همه در سایه ابتکار خلعمان پدید آمده است و نتایج کارهایی که از طرف ما انجام یافته ، در سایر نقاط ایران نیز انعکاس دارد . اکنون تهران از کارهای ما تقلید میکند .

تقسیم اراضی که در آذربایجان صورت گرفته ، در تمام ایران نیز عملی خواهند شد . اکنون در سایر نقاط ایران خلقها در آرزوی کارهایی که در آذربایجان انجام شده میباشدند . اگر آنها هم بخواهند به موفقیتهایی که ما نائل شده ایم ، دست یابند باید زحمات زیادی متحمل شوند . اگر آنها میخواهند خود را با جریانات آذربایجان هماهنگ سازند و اصلاحات انجام یافته در اینجا را در محل خود عملی سازند ، باید کثافتهای گندابهایی که آنها را احاطه کرده است پاک سازند . در تبریز طی مصاحبه ای با خبرنگار امریکائی گفتم : اگر امکان داشتیم باروپا و امریکارفته و بمسردم آنجا ماهیت واقعی نهفت آذربایجان و احساسات باک و گرم خلق آنرا روشن میساختم . بالخره در نتیجه سیاست صحیح اتحاد شوروی ، تبریز متجمعین بسنگ خورد و نتوانستند نهفت آذربایجان را به حساب اتحاد شوروی بنگارند . من در این اواخر در تماسهایی که با دیپلماتهای خارجی داشتم از رفتار و حرکات آنها با این نتیجه رسیدم که دول صاحب مستعمرات عاری از حقیقتند ، آنها میخواهند جوامع چند میلیونی را قربانی منافع و مقاصد خود سازند . تنها مقصود آنها صرفاً منفعت ، منفعت و باز هم منفعت است .

در چنین دریای طوفانی وزهر آلود ، حکومت ملی موفق گردید منافع و حقوق خلق خود را تشخیص داده و محافظت کند . ما در مقابل آن اتهامات فتنه کارانه پایداری کردیم . در زمینه سیاست خارجی گامهای جدی و اساسی برداشته و موفق به اتخاذ تدابیر عالمانه و صحیحی شدیم . ما اگر کمی تندروی میکردیم ، بنابراین درجه نهایت مناسبت را در رفتار خود بکار میبردیم . ما با استقلال ایران خدمت کرده و آنرا تأمین کردیم ، قدرت نهفت ما خیلی بزرگ است ، بنابراین این ما توانستیم خواستهای یمن را کسب کنیم . تنها مایه ترس حکومت مرکزی ، نهفت آذربایجان بود ، حتی اشخاصیکه ۹ ماه مبارزه ای جدی را علیه ما پیش برده اند ، اکنون نهفت دموکراتیک



ماراتصین میکنند سعی در گسترش آن در تمام ایران دارند و این خود در نتیجه سیاست عاقلانه و اقدامات صحیح ما بوده است.

حکومت متشکل از طرف ما بر اساس سیاسی مقدس و پاک پایه گذاری شده است. آسایش و امنیت خلق نیز در نتیجه آن بوجود آمده است.

خلقهایی که در سایر نقاط ایران بسر میبرند جهت حفظ استقلال ایران کارها شیراکه در آذربایجان عملی شده، باید برای خود نمونه قرار دهند. نهفت ما بیابان نرسیده بلکه تنها شکل آن تغییر یافته است. بنا بر این یا اشخاصیکه در خیال سوء استفاده از این سازش بوده و در فکر زورگویی بخلق باشند، مبارزه ای حدی بعمل خواهد آمد. آنها از مجازات خلق و قانون رهایی نخواهند یافت. ما نمیخواهیم تمام مردم ایران را با انقلاب دعوت کنیم، بلکه آنها را عملاً با اجرای اصول دموکراسی فرامیخوانیم.

ضروری است که کمی هم درباره وضعیت عمومی ایران صحبت شود. بهنگام آغاز نهفت ما روزنامه های تهران به شیطنت مینوشتند که اگر تهران بخوبی به آذربایجان رسیدگی میکرد، حکومتی عادلانه در آنجا برقرار میساخت، نهفت آذربایجان بوجود نمی آمد. ولی حقیقت امر سر چنین نیست.

نهفت ما صرفاً در نتیجه اراده و ایمان خلق آذربایجان پدید آمده است.

آذربایجانیان، زبان، آداب و رسوم، تاریخ، ملیت و خصوصیت ویژه خود را دارند. خلق آذربایجان قابل تشبیه با خوزستانها و خراسانها و سایرین نیست. او عموماً ایرانی است ولی دارای خصوصیتهای آذربایجانی است. سیاسی که در خوزستان اجرا میشود، در اینجا قابل اجرا نیست. آذربایجانی قرنهای در طلب آزادی بوده است. خلق آذربایجان میخواست که در تعیین سرنوشت خود دخالت داشته باشد. ایران عبارت از تهران نیست. در سیاست تهران، همه نقاط ایران باید تأثیر داشته باشند. آذربایجان به صورتی که باعث خصوصیت خود را حفظ خواهد کرد. بیك نطف ۶ ساله آذربایجانی نمیتوان بزور زبان دیگری را تحمیل کرد. دعوا بر سر نان و استاندار خوب نیست، بلکه نهفت ما بععل بسیار عباتری پدیدار گشت.

این نهفت تنها در اثر تعصب آذربایجانی بودن بوجود آمده است.

لباس دیگری بدان پوشاندن، و تعبیر دیگری از آن کردن سفاهت میباشد. شما میدانید که در نتیجه جنگ، حکومت استبدادی ایران سرنگون گردید و بعد از آن ظاهراً حکومت دموکراتیک بوجود آمد. ولی آنرا بهیچوجه نمیتوان حکومت دموکراسی نامید. با بر سر کار آمدن آن، در دستگاه دولتی هیچ تغییری حاصل نشد. ما نمیتوانیم باین هیئت حاکمه ظاهراً دموکرات اطمینان

داشته باشیم ، زیرا تمام اعضای مجلس در دوره ۱۳ و اکثریت نمایندگان مجلس در دوره ۱۴ ، همان-  
هاشی بودند که خود رضاخان در دوره های قبلی مجلس بکرسی نشاندہ بود .

حقیقتا بعد از رضاشاه در ایران هیچ تغییری بوجود نیامده بود تنها شکل استبداد تغییر-  
یافته بود . در واقع بجای رضاخان اشخاصی حقیقتر و حریمتری مانند سپهبدی ها ، تدین ها ، حکیمی-  
ها ، ساعد ها و صدراشرافها بر سر کار آمده بودند .

بدین ترتیب برای آزادی خلق در ایران خطر بزرگی احساس میشد . واهمه روز بروز افزایش  
می یافت ، زیرا بعد از خاتمه جنگ متفقین میبایست ایران را ترک میکردند . زمانیکه هنوز آنها  
در ایران بودند ، مرتجعین تاحدی مجبور به حفظ ظاهر بودند . بدین ترتیب بین دونیرو در ایران  
مبارزه قاطع پیش میرفت . تنها یکی از این دونیرو باید باقی میماند ، نیروهای خلقی روز بروز  
ضعیفتر میشدند .

از آنجائیکه نیروهای ارتجاهی دارای حکومت ، پول و اسلحه بودند ، قدرت بیشتری کسب  
میکردند . آنها اذیت و آزار دهقانان ، توفیر روزنامه های آزادیخواه و تعطیل تشکیلات آزادی-  
خواه و اتحادیه ها را شروع کرده بودند .

در یکچنین زمانی ، جهت از بین رفتن آزادی خلق ایران احتیاج به یافتن راه حلی بود .  
مبارزه برای آزادی ، مبارزه ای حیاتی بود . در آن زمان ما با دوستانمان بهر نوع بحث و تفکر در  
این باره میبرد اکتیم ولی نتیجه ای بدست نمیآوردیم .

بالخره ما دیدیم که با حرف زدن و مباحثه نتیجه ای نمیتوان کسب کرد . میبایست در مقابل  
زور به زور متوسل گردید . بدانجهت در دوازده شهریور همراه عده کمی ، گامی جسورانه برداشته و  
پیشقدم شدیم . و با وجود آوردن آزادی در آذربایجان ، تأمین آنرا در سراسر ایران منظور نظر  
داشتیم . در آن زمان ما بطور آشکارا نوشته بودیم که جهت تأمین آزادی سراسر ایران ایجاد  
نهضت بزرگی در آذربایجان ضروری میباشد .

ارتجاع ایران با بدست خلق آذربایجان سرتگون گردد . بنا بر این امروز میگوئیم که آنر-  
با بجان ضامن آزادی ایران میباشد .

اگر بعد از این هم مرتجعین قدرت یافته و بخواهند حتی يك ماده از موافقتنامه امضا عده را  
تغییر دهند ، باز بها خواسته و بدفاع از آن خواهیم پرداخت .

ما بار دیگر زیر یوغ ارتجاع نخواهیم رفت . باید جلوی ارتجاع را گرفت . تا روز انتشار  
اعلامیه ما ، ارتجاع از تشکیل اجتماعات و ارسال تلگرافها هراسی بخود راه نداده و اهمیتی  
به گفته های خلق قائل نبود . اعلامیه ما اگرچه در وهله اول لرزه باندام آنها انداخت ، ولی

اهمیت زیادی بدان قائل ندهد و گفتند که این اعلامیه هم چیزی جز حرف نیست .  
 ما از این موقعیت استفاده کرده و تشکیلات فرقه را بصورت برق آسایشی بوجود آوردیم و با  
 تشکیلات محلی حزب توده وحدت کرده و فرقه واحد و قدرتمندی را بنا نهادیم .  
 تاروژی که صدای تفنگ فدائیان ما در مراغه ، سراب ، میانه و زنجان به گوش رسید ، هنوز  
 حکومت های مرتجع قدرت واقعی اعلامیه مارادک نکرده بودند . از آن زمان ببعد آذربایجان به  
 عنوان عامل قدرتمندی شناخته گردید .

در ابتدا مرتجعین میخواستند از راه های گوناگونی جلوی پیشرفت تشکیلات و نهضت ما را  
 بگیرند . بنا بر این خود روشانی نظیر کاتوزیان ، زنگنه و ورهام را به آذربایجان اعزام  
 کردند . ولی بالخره امیدشان قطع شد و ثابت گردید که نهضت خلق از بین رفتنی نیست .  
 تجربه یأس آوری برای آنان بود و برایشان ثابت شد که این نهضت آذربایجان از قلب خلق  
 آن و همچون طوفانی بیخوابسته است . مبارزه ما ، مبارزه ای برای رهایی از ظلم و اسارت  
 ارتجاع بود . در این مبارزه ملت پشتیبان ما بود . در عین حال آزادخواهان ایران نیز به فکر  
 نهضت آذربایجان بوده و آنرا تقویت میکردند . در اینجا ارتجاع دست و پای خود را گم کرده و متصل  
 به بیگانگان گردید و خواست که رنگ نهضت ما را تغییر داده و باهاهاو آنرا از میان بردارد .  
 ولی ایمان و عقیده استوار و قلعمان بر آنها غلبید یافت ، بنا بر این مجبور گشتند تنها با اکثریتی  
 باختلاف یک رأی " آقای قوام السلطنه " را بر سر حکومت آورند و توسط او با نهضت دموکراتیک  
 آذربایجان تسویه حساب کنند . این یک چشم پوشی نبود ، بلکه آنها ناگزیر بودند . مرتجعین  
 میدانستند که آقای قوام السلطنه در سایه تجربیات طولانی خود خواهد توانست راهی برای رضایت  
 آذربایجان پیدا نماید . البته بر سر کار آمدن آقای قوام السلطنه برای ما موفقیتی بود . لیکن  
 در کابینه از نیز مرتجعین جمع گشته بودند . آقای قوام ناگزیر از دعوت آنان به کابینه بود  
 اگر این کار را انجام نمیداد ، نمیتوانست اکثریت را تأمین کند و این نیز دلیل مهارت آقای  
 قوام السلطنه است . در مجلس ایران علاوه بر اهداف ارتجاعي ، اهداف خصوصی نیز وجود داشتند که  
 بکارگماردن عناصر خویش را مورد نظر قرار داده بودند .

آقای قوام از آنجا که روحیه نمایندگان را میشناخت ، موفق به استفاده از آن گردید .  
 بجز این راه دیگری وجود نداشت . البته آقای قوام السلطنه خود را در آینده از دست آنان خلاص  
 خواهد کرد . اگر این کار را انجام ندهد ، نمیتواند اعتماد آزادخواهانی را که میخواهد بآنها اتکا  
 کند ، جلب نماید . این کابینه داستان معروف " ارباب های که توسط ماهی ، اردک و خرچنگ کشیده  
 میشود " از کریلفرا بخاطر می آورد . با اینهمه کابینه از هر فردی که تشکیل شده باشد ، در اثر



پیشرفت نهفت آذربایجان بوجود آمده و ناگزیر به تسویه حساب با ما است. در کا بیته حتی، چنان اشخاصی وجود دارند که زبان آذربایجانی برایشان از مرگ بدتر است، با وجود این آنها نتوانستند از تدریس و نشر این زبان در آذربایجان معانعت نمایند.

در حال حاضر نفعها در مدارس ابتدایی حتی در مدارس متوسطه و عالی نیز بزیان مادریمان موفق به کسب حق تحصیل شده ایم. مسئله اساسی دیگری که وجود دارد مسئله زمین است. مادر بیانیه ۱۲ شهریور تنها تقسیم اراضی خالصه و دشمنان خلق را در بین دهقانان مطرح کرده بودیم و حالا در نتیجه مبارزه، در این زمینه موفقیتهای باز هم بیشتری کسب کرده و تهران نیز مجبور به تمعق براه ما است.

البته سیاست درست و قدرت نهفت ما بود که آنها را باینکار واداشت. و بدین ترتیب در ارکان ارتجاع رخنه بزرگی بوجود آمد. بدین وسیله وزنه سنگینی که ۴۰ سال تمام بر روی نهال انقلاب مشروطیت سنگینی میکرد، اگرچه نیز کم، از میان برداشته شد.

انقلاب مشروطه، از آن جهت بود که خلق حاکمیت خود را بدست آورد. لیکن مرتجعین داخلی و خارجی آنرا خفه کردند. حاکمیت از دست شاه مستبد بدست اشخاص مستبد افتاد. نهفت ما، نهفت مشروطه را که ۴۰ سال را کد مانده بود، احیاء نمود. البته حالا ارتجاع تماما از بین نرفته، بلکه آنها قصد نفوذ در مجلس پانزدهم را داشته و از تشکیلات فرقه مان واهمه دارند. نهفت ما زمینه گسترده ای در ایران بوجود آورد. نهفت آذربایجان به فرقه و خلق بزرگی متکی است که این خود عامل مهمی میباشد. عامل دیگر تقویت روز بروز تشکیلاتهای آزادخواه است. در نتیجه تقسیم اراضی، نظر روستائیان جلب گردیده و آنها را به گرد نهفتان جمع میکند. همانطوریکه گفتیم یکی از معجزات تاریخ، مصادف شدن تشکیلات قشونهای خلق ما با تشکیل حکومت قوام السلطنه است. آقای قوام السلطنه با اعزیمت به مسکو میخواست سیاست خارجی آلوده گردیده از طرف زمامداران قبلی را تسویه کند. واقعا در بوجود آمدن سازش، اتحاد شوروی تأثیر بسزائی داشت. آنها چرخ غیر منتظره ای در سیاست بین المللی بوجود آوردند. و این به نفوذ و اعتبار قوام السلطنه افزود.

چند کلمه ای هم لازم است درباره موافقتنامه صحبت کنیم:

موافقتنامه ای که بشما تقدیم کردیم باین سادگیها بوجود نیامده بود. در هر يك از ماده های آن مکررا حلاجی شده بود. حکومت ملی خود را در برابر خلق و تاریخ مسئول میدانست و نباید کارزاسهل می نگاشت و با تمام نیرو بدفاع از حقوق خلق باید می پرداخت. اجازه بدهید قبل از قرائت موافقتنامه درباره ضامن اجرائی آن چند کلامی سخن بگویم. اولاً باید اینرا بدانید، زمانی که ما آغاز بکار کردیم دارای هیچ قدرتی که بتواند ضامن اجرا باشد، نبودیم. در آن موقع ما

بدون واژه به کسب آن چیزی که میخواستیم موفق شدیم و اکنون نیز ایمان داریم که خواهیم توانست آنرا حفظ نمائیم . دیگر اینکه اولین ضامن اجرای این موافقتنامه خلق و مجلس ملیمان میباشد . مجلس ما همیشه ضامن اجرائی دستاوردها ایمان خواهد بود . آذربایجان همیشه پیرو مجلس خود خواهد بود .

ضامن اجرائی خلق و مجلسمان نیز فرقه است . فرقه بهیچوجه امکان نخواهد داد که مرتجعین دستاوردها ایمان را از بین ببرند . فرقه مان ، ضامن اجرائی مجلسی که بوجود آمده است ، می باشد ، دیگر ضامن اجرائی ، نیروهای آزادیخواه سایر نقاط ایران هستند . آنها میدانند که اگر ما وجود نداشته باشیم ، آنها را از بین خواهند برد . آنها به حمایت از ما برخاسته و از ما انتظار کمک دارند . و این ضامن اجرای قدرتمندی است .

ضامن اجرای دیگری برای آزادی آذربایجان ، مجلس شورایی ملی دوره آینده میباشد . بنا بر این ما باید آنچنان نمایندگانی انتخاب کنیم که طرفدار خلق باشند . بدون شک مادر این امر نیز موفق خواهیم شد . ما باید مجلس آینده را بچنان صورتی درآوریم که مرکز ثقل آزادی باشد . هر گاه ما موفق شویم که از آذربایجان و سایر نقاط ایران عناصر آزادیخواهی را برای مجلس انتخاب کنیم ، در آنصورت قدرت ارتجاع رادرم شکسته و آزادی ایران را برای همیشه تأمین خواهیم کرد اکنون در مقابل ما دوره وجود دارد ، یا باید در مجلس اکثریت را تشکیل دهیم و یا با نیروی خود به حفظ دستاوردها ایمان بپردازیم . اگر بخواهند آنچه که کسب کرده ایم دست درازی نمایند در آنصورت خلقمان با نیروی خود خواستها پشیرا تأمین خواهد کرد .

من به نیروی فرقه و تشکیلات خودمان ایمان دارم . فرقه ما نهالی است که بر روی کنده مشروطیت روئیده است . من گمان نمیکنم کلیه نمایندگان منتخب آذربایجان آزادیخواه خواهند بود هیچ تردیدی نیست که فرقه ما افراد باایمانی را نامزد خواهد کرد . خلقمان دیگر درک کرده و می داند که تنها نیروی حافظ منافع آذربایجان ، فرقه دموکرات آذربایجان است . باید در میان خلقمان ایمان ، اتحاد و برادری برقرار باشد . ضامن اجرای نظریات ارتجاعی نیز پراکندگی و عدم اعتماد بین ما میتواند باشد . ما باید با تمام نیرو مانع متلاشی شدن اتحادمان گردیم . هر کسی که مخالف اتحاد و اتفاق آذربایجان باشد ، بطور بیرحمانه ای از میان برداشته خواهد شد . این موافقتنامه در نتیجه مبارزه بدست آمده است ، و بدین ترتیب صفحه نویی در تاریخ ما گشوده و با دستاوردهای نهضتمان ، قدم دوم مبارزه ما آغاز میگردد .

سپس آقای پیشه وری ابلاغیه ۷ ماده ای دولت مرکزی و موافقتنامه ۱۵ ماده ای را قراست

نموده و در اطراف آن مفصلاً توضیح دادند .

## دوره جدید - شعارهای جدید

www.iran-socialists.com

بدنبال عقد قرارداد با تهران ، فرقه مان قدم در راه جدیدی گذاشت بنا به وظایفی که در این دوره در پی داشتیم ، تغییر خط مشی فرقه ضروری بود . اگرچه تمام مسائل بوسیله موا- فقتنامه حل نگردیده بود ، بویژه مسئله قوای انتظامی و تشکیلات قشون در بالاترین سطح مانده است . و در روزی که این منظور نوشته میشود برای حل این مسائل هیئتی تحت ریاست رئیس انجمن ایالتی آذربایجان به تهران عزیمت کرده است . با همه این ، احساس میشود که در مسیر مبارزه مان چرخش بزرگی بوجود آمده است .

بمناسبت همین چرخش ، فرقه خط مشی و شعارهای خود را تغییر داد .

ما تا دیروز با سرنگونی و از میان بردن نیروهای ارتجاع و استبداد که خلقمان را تحت اسارت خود داشتند ، ثابت کردیم که دارای حاکمیت ، ملیت ، زبان ملی و خصوصیات ملی خود هستیم . و کوشیدیم آنها را که از طریق انکار این حقوق بمخالفت با نهفت برخاسته بودند به نیروی اسلحه از میان برداریم . در عین حال جهت تأمین سعادت خلقمان ، برنامه های اصلاحی عظیمی را تنظیم و در اسرع وقت با اجرا در می آوریم .

خلقمان ، تحت رهبری راستین فرقه ، بدون توجه به گرسنگی ، تشنگی و محرومیت عملا ثابت کرد که در راه شعارهای فرقه آماده هرگونه فداکاری است . و این خود برای استقلال عمل ما میدان فعالیت و امکانات بزرگی بوجود آورد . امروز دیگر شرایط تغییر یافته است . اکنون برای حفظ حقوق بدست آمده و ملیت به ثبوت رسیده و سعادت خلق ، موظف بادامه اصلاحات آغاز شده هستیم . و این خودی مشکلتر از ایجاد فرقه ، تشکیل دسته های مسلح فدائی برای بیرون راندن قشون ارتجاعی و زاندار مری از سرزمین آذربایجان میباشد . در این کار خونسردی عزم راسخ ، به نظم در آوردن تشکیلات ، حفظ روحیه اعضای فرقه و خلق و غیره ... ضروری می- باشد . و این خود امری دشوار است . تا دیروز که جهت حاکمیت مبارزه میکردیم خلق با احساسات تحریک شده ، با آسانی بدنبالمان می آمد . امروز برای بسیج مردم به تشکیلاتی منظم و تبلیغاتی اصولی احتیاج داریم . اکنون مردم با تعمق و بطور آگاهانه باید جلب و بسیج شوند ، احساسات در کارهای لحظه ای میتوانند مفید واقع گردند ولی مبارزه ای طولانی و تدریجی به اسلحه آگاهی و تشکیلات محتاج است .